

تبیین پدافند غیرعامل بر مبنای فرهنگ

احسان الماسی بیدگلی^۱

چکیده

بعد از جنگ جهانی دوم تهدیدات به دو حیطه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم‌بندی شده است. بُعد سخت‌افزاری همان مسائل نظامی می‌باشد که هزینه‌بر است. در سوی دیگر بُعد نرم‌افزاری قرار دارد؛ این بُعد همان نظام فرهنگی و اجتماعی یک کشور است. سیر حرکت یک جامعه یا انسان، به فرهنگ حاکم بر آن وابسته است. تعالی یا انحطاط فرد یا جامعه، معلول مستقیم فرهنگ فردی یا جمعی است. بر این مبنا تمرکز و تأکید مباحث دفاعی در مقابل نیروهای مهاجم از حیطه عامل به غیرعامل کشیده شده است. در بحث عامل تأکید بر بکارگیری سلاح‌های سخت‌افزاری برای مقابله با دشمن است. اما حیطه غیرعامل تأکید بر عدم بکارگیری سلاح‌ها و جنگ‌افزارهای نظامی برای مقابله و تهاجم به دشمن دارد. بر این مبنا مباحث فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته است. این مطالعه بر مبنای روش اسنادی، بیان‌گر این نتیجه است که توجه به فرهنگ به عنوان مبنای حرکت جامعه، منبعی برای تقویت جبهه‌ی پدافند غیرعامل است. بر این مبنا تقویت و اجرایی شدن پدافند غیرعامل در جنگ‌های نوین، مستلزم توجه به فرهنگ و دستیابی به سطح فرهنگی مناسب جهت ایجاد سپر فرهنگی در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن است.

کلیدواژه‌ها: پدافند عامل، پدافند غیرعامل، استعمار فرانو، فرهنگ، تهاجم فرهنگی

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی / almasib.1367@gmail.com

۱_ مقدمه

با پیشرفت چشمگیر بشر در زمینه‌ی اطلاعاتی، جنگ خاموش شکل گرفت و از حیظه‌ی نظامی به حیظه‌ی فرهنگ و اجتماع کشیده شده است. اگر در گذشته برای تسخیر سرزمین‌های دیگر نیاز به لشگرکشی نظامی و تحمل هزینه‌های گزاف نظامی بوده است، امروزه با تسخیر فرهنگ و اندیشه و باور ملل دیگر می‌توان به آسانی آنها را مطیع خود گرداند. به طوری که این مطیع بودن خاموش و بدون صدا رخ دهد. استعمار نو و به عبارتی دیگر استعمار فرانو بر این مبنا ظهور یافته است (ادیبی سده، ۱۳۸۵: ۶۶). سیر تغییر و تحول استعمار نیز تایید کننده‌ی این امر می‌باشد. در ابتدا کشورهای قدرتمند از طریق حمله‌ی نظامی و لشگرکشی‌های گسترده سرزمین‌های دیگر را فتح می‌کردند و حکومت خودشان را توسعه می‌دادند. با گذشت زمان، استعمار نو ظهور یافت. در این نوع از تهاجم، بعد از فتح کشور هدف، از طریق نظامی و یا غیر نظامی نظیر کودتای داخلی، کشور مهاجم، قدرت را در دست گرفته و با حاکم کردن فرد مورد نظر اهداف و الگوهای مد نظر خود را در کشور مغلوب اجرایی می‌کرد. اما با گذشت زمان و پیشرفت‌های اطلاعاتی و تکنولوژیکی، استعمار فرانو شکل گرفت. در این نوع استعمار نیازی به لشگرکشی نظامی نیست. بلکه از طریق دگرگونی فرهنگی جامعه‌ی هدف، اهداف مد نظر کشور مهاجم تحقق می‌یابد. نظریه‌پردازان غربی نیز بر این اعتقاد هستند که جنگ‌های آینده جنگ‌های فرهنگی و اجتماعی است. مثلاً هانتینگتون اعتقاد دارد که جنگ آینده، جنگ تمدن‌ها خواهد بود. قدرت تمدن‌ها بر شکست و پیروزی اثرگذار خواهد بود (همان: ۶۶). تمدن‌ها و فرهنگ‌ها مبنای شکل‌گیری جبهه‌های مختلفی خواهند بود. به عبارتی می‌توان بیان کرد که بعد از جنگ جهانی دوم تهدیدات به دو حیظه‌ی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم‌بندی شده است. بعد سخت‌افزاری همان مسائل نظامی است که هزینه‌بر است اما با این حال هنوز بسیاری از کشورهای جهان هزینه‌های نظامی خود را هر سال گسترش می‌بخشند تا حالت بازدارندگی برای کشورهای مقابل آنها ایجاد کنند. در سوی دیگر بعد نرم‌افزاری قرار دارد. بعد نرم‌افزاری در خلاصه‌ترین معنا، همان نظام فرهنگی و اجتماعی یک کشور است. سازه‌های نرم‌افزاری یک کشور مبتنی بر فرهنگ، تاریخ، هویت، قومیت و مشترکات عمومی که در بین آحاد یک ملت شکل می‌گیرد، پایدار شده است و باعث دوام و قوام یک ملت و یک هویت ملی برای یک جامعه می‌شود. تسخیر جغرافیای فرهنگی یک کشور به آسانی می‌تواند صورت بگیرد و شاید بر حسب امکانات مدت زمان زیادی طول نکشد اما تسخیر اذهان و آداب و رسوم مردم یک منطقه به سختی صورت می‌گیرد و امری زمان‌بر است (فردرو، ۱۳۸۹: ۹).

در این راستا فرهنگ و مباحث فرهنگی به حیظه‌ی اصلی رقابت و تعامل میان دولت‌ها تبدیل شده است. نه تنها فرهنگ مبنای کنش دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است، بلکه فرهنگ مبنای کنش و تعامل افراد در حیظه‌ی جامعه است. سیر حرکت یک جامعه یا انسان، به فرهنگ حاکم بر آن وابسته است. تعالی یا

انحطاط فرد یا جامعه، معلول مستقیم فرهنگ فردی یا جمعی است. از این رو، فرهنگ مقوله ای بسیار مهم و تعیین کننده برای زندگی انسان است. فرهنگ تنها در قلمرو ابعاد فرهنگی زندگی انسان محدود نمی‌ماند، بلکه سایر ابعاد و جوانب را نیز شامل می‌شود. برای مثال، کنش‌های سیاسی و کنش‌های اقتصادی نیز تابعی از مؤلفه‌های موجود در فرهنگ هستند. بنابراین، صلاح و فساد یک جامعه ناشی از فرهنگ آن جامعه است. اندیشمندان اجتماعی و فرهنگی بر این باور هستند که اصلاح یک جامعه از اصلاح فرهنگ شروع می‌شود. در سوی مقابل، غفلت از فرهنگ برابر با زوال و اضمحلال اخلاقی و معنوی جامعه خواهد بود. بر این مبنا تمرکز و تاکید مباحث دفاعی در مقابل نیروهای مهاجم از حیثیه عامل به غیرعامل کشیده شده است. در بحث عامل تاکید بر بکارگیری سلاح‌های سخت‌افزاری برای مقابله با دشمن است. اما حیثیه غیرعامل تاکید بر عدم بکارگیری سلاح‌ها و جنگ‌افزارهای نظامی برای مقابله و تهاجم به دشمن دارد. در نتیجه در این راستا مباحث فرهنگی مورد تاکید قرار گرفته است.

با توجه به اهمیت فرهنگ و نقش کلیدی که فرهنگ در حیثیه اجتماعی برای یک جامعه و عرصه بین المللی برای دولت‌ها در تحکیم استحکامات دفاعی خود در تعامل با فرهنگ‌ها و دولت‌های مهاجم دارد، در این پژوهش سعی در بیان اهمیت فرهنگ برای پدافند غیرعامل هستیم. به عبارتی هدف این پژوهش تبیین پدافند غیرعامل بر مبنای فرهنگ است.

۲- پیشینه پژوهش

هاشمی فشارکی در پژوهشی با نام جایگاه فرهنگ در پدافند غیرعامل به بررسی نقش فرهنگ در حیثیه پدافند غیرعامل پرداخته است. به اعتقاد وی از جمله مهم‌ترین راهبردهای فرهنگی دفاع غیرعامل عبارتند از؛ توسعه فرهنگ و نهادینه‌سازی باور عمومی نسبت به تاثیر اقدامات دفاع غیرعامل در کاهش آسیب‌پذیری‌ها، ارتقای دفاع فرهنگی و آستانه‌ی مقاومت مردم در برابر تهدیدات خارجی، ایمن‌سازی بخش‌های حیاتی و حساس در بخش فرهنگی و تبلیغی کشور، رصد کردن فعالیت‌های دشمن و دشمن‌شناسی تخصصی در زیر ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی کشور، استفاده از ظرفیت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی کشور در حوزه‌ی دفاع غیرعامل. به اعتقاد وی دفاع غیرعامل در حیثیه فرهنگ شامل تمامی طرح‌ها و اقداماتی می‌شود که به نحوی مرتبط با اداره‌ی مردم در شرایط تهدید و جنگ، ارتقاء آستانه‌ی تحمل ملی در برابر تهدیدات فرهنگی و دفاعی و آماده‌سازی مردم و کشور برای مقابله با تهدیدات دشمن است (هاشمی فشارکی، ۱۳۸۹).

مصطفوی در پژوهشی به بررسی گسترش مفاهیم پدافند غیرعامل در فرهنگ عمومی پرداخته است. به اعتقاد وی گسترش مفاهیم پدافند غیرعامل در فرهنگ عمومی به معنای گسترش مفاهیمی نظیر؛ جهان‌بینی، ارزش‌ها، گرایش‌ها، کنش‌ها، نمادها و فناوری است. به اعتقاد وی از طریق تقویت حوزه‌های مذکور می‌توان قدرت دفاع فرهنگی کشور را در مواجهه با تهاجم فرهنگی تقویت کرد (مصطفوی، ۱۳۸۹).

صادقی در پژوهشی با نام برنامه‌ریزی پدافند غیرعامل در بخش فرهنگی به تبیین رابطه‌ی فرهنگ و پدافند غیرعامل پرداخته است. به اعتقاد وی در برنامه‌ریزی فرهنگی جهت اجرای راهبردهای پدافند غیرعامل باید مولفه‌هایی نظیر؛ استمرار و پیوستگی، پیش‌بینی، عوامل داخلی و خارجی، همکاری و رقابت، رشد و پیشرفت، مطالعات و تجارب گذشته و نوآوری و بهبود را مورد توجه دقیق قرار داد. عامل مهم در دفاع غیرعامل تکیه بر دانش، ابزارها، نیروها و توان خودی است. چراکه وابستگی در هر کدام از این بخش‌ها می‌تواند موجب عدم کارایی دفاعی گردد. در زمینه‌ی برنامه‌ریزی فرهنگی دفاع غیرعامل باید به تقویت مولفه‌های فرهنگی داخلی که ریشه در سنت و نظام فکری کشور دارند توجه شود تا پدافند غیرعامل کارایی خود را بهتر نشان دهد (صادقی، ۱۳۸۹).

۳- مبانی نظری

۳-۱- تعریف فرهنگ

به اعتقاد رایموند ویلیامز فرهنگ یکی از دو یا سه واژه‌ی بسیار پیچیده‌ای است که در زبان انگلیسی وجود دارند. به این دلیل که این واژه باید در چندین و چند رشته‌ی مجزای فکری و در نظام‌های فکری متعدد و متمایز برای تبیین مفاهیمی مهم مورد استفاده قرار گیرد (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۳).

فرهنگ معادل culture در زبان فرانسه است. که از واژه لاتین cultura به مفهوم عمل بار آوردن و پرورش دادن و کاشتن گرفته شده است (آراسته‌خو، ۱۳۸۱: ۷۲۳-۷۲۲). اندیشمندان حوزه‌ی فرهنگ و جامعه‌شناسی تعاریف متعددی را از فرهنگ ارائه کرده‌اند. فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند، و کالای مادی که تولید می‌کنند. ارزش‌ها آرمان‌های انتزاعی هستند حال آنکه هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آنها را رعایت کنند. هنجارها نشان دهنده‌ی بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۶).

پارسونز فرهنگ را نظام الگودار و سامانمندی از نمادها می‌داند که اهداف جهت‌گیری کنشگران، جنبه‌های ملکه ذهن شده‌ی نظام شخصیتی و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی را در بر می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۸۶: ۱۳۹). کلوکهان بر روی ماهیت مشارکتی و هنجار آفرینی فرهنگ و عملکرد آن برای یکپارچه کردن فرد با گروه تاکید می‌ورزد. به اعتقاد وی فرهنگ الگوهایی برای زندگی کردن است که در جریان تاریخ شکل می‌گیرد که دارای اجزاء متفاوت است. فرهنگ پویا و سازمان یافته است و وسیله‌ای است که افراد توسط آن خود را با زندگی اجتماعی تطبیق می‌دهند و بیان خلاق را فرا می‌گیرند. کلوکهان اعتقاد دارد که فرهنگ‌ها نه تنها دارای محتوا بلکه دارای ساختار نیز می‌باشند (بلینگتون و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۴-۳۳).

فرهنگ‌گرایان در تحلیل‌هایشان از نظام‌های اجتماعی، اهمیت زیادی برای فرایند اجتماعی شدن قایل‌اند که طی آن ارزش‌های بنیادی هر جامعه از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (بودون و بوریکو، ۱۳۸۵: ۵۱۳).

همچنین می‌توان فرهنگ را دیدگاه مشترک یک ملت دانست. به عبارتی فرهنگ شیوه برخورد کنشگران برای درک جامعه است (شارون، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

هر نظام فرهنگی بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای خود، عناصر و مولفه‌هایی را مورد تأکید و ترویج خود قرار می‌دهد. کنشگران نظام اجتماعی با فراگیری این عناصر و مولفه‌ها و درونی‌کردن آنها به عنوانی بخشی از شخصیت‌شان، بقای اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی خود را تضمین می‌کنند. ساختار شخصیت هر کنشگر وابستگی تنگاتنگی به فرهنگ ویژه جامعه‌ای خاص دارد. به اعتقاد کاردینر با هر نظام اجتماعی - فرهنگی یک «شخصیت پایه» متناظر است. بر این مبنا می‌توان بیان کرد که «من یک رسوب فرهنگی است» (بودون و بوریکو، ۱۳۸۵: ۵۱۳). و نیز رفتار اجتماعی و فرهنگی کنشگران را در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی آنها ردیابی کرد (بیرهوف، ۱۳۸۷: ۱۵). به اعتقاد پارسونز نظام فرهنگی به افراد جامعه جهت داشتن رابطه با یکدیگر کمک می‌کند. و به آنها اجازه می‌دهد تا با یکدیگر در ارتباط باشند (اسمیت، ۱۳۸۷: ۵۲). دامنه روابط هر کنشگری را می‌توان در رابطه‌ی او با خالق خود، هموعان خود و محیط اجتماعی و فرهنگی اطراف او خلاصه نمود. نحوه تعامل انسان در هر یک از این حوزه‌ها، با تاثیرگذاری در حوزه‌های دیگر در بهبود زندگی او نقش تعیین کننده‌ای دارد. در این میان نحوه تعامل انسان با هموعان و محیط اطراف بسیار مورد توجه است (کلانتری، ۱۳۹۰: ۵).

از دیدگاه جامعه‌شناسان، کنش‌های متقابل اجتماعی متفاوت از ارتباطات اجتماعی دو یا چند تن از افراد بشر پدیدار می‌گردد که بر دو نوع‌اند: الف. کنش‌های متقابل پیوسته، ب. کنش‌های متقابل ناپیوسته. نوع اول این کنش‌ها به همکاری، همانندگردی و نوع دوم به رقابت، سبقت، ستیز و کشمکش منجر می‌شوند. بنابراین جنگ، ستیزه‌ی خشن و منظمی است که بین دو یا چند اجتماع مستقل صورت می‌گیرد. در بین دولت‌ها زمانی که آمیختگی و ارتباطات سیاسی کنش‌های پیوسته بر کنش‌های ناپیوسته غالب می‌شود، همکاری‌ها و مراودات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در قالب قراردادهای و پیمان‌های اقتصادی نظامی در قطب‌های گوناگون ظهور می‌کند و روابط به اصطلاح خصومت‌آمیز به روابط صلح‌آمیز و دوستانه بدل می‌گردد و بالعکس (ادبی سده، ۱۳۸۵: ۹-۸)

بر این مبنا برای تسخیر یک کشور نیازی به لشگرکشی نظامی نیست. به عبارتی لشگرکشی نظامی دیگر معتبر نیست. جنگ سرد ناشی از جنگ جهانی دوم نیز نشان داد که جنگ بیش از اینکه دارای ماهیت راهبردی باشد، دارای نشانه‌های فرهنگی، گفتمانی و ایدئولوژیک بوده است (متقی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). در واقع با توجه به تغییر و تحول اوضاع و احوال جهانی به خصوص در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و فناوری، کاربرد زور و روش‌های جنگ کلاسیک در مقابله با بازیگران قدرتمند به تدریج با کاهش ارزش، مشروعیت و اثربخشی مواجه شده است (عیوضی، میرشاه ولایتی و نظری زاده، ۱۳۹۱: ۱). امروزه

رهیافت‌های تقابل‌گرا و خشونت‌محور با محوریت اقدامات نظامی سخت‌افزارانه در پیچیدگی‌ها نظام بین الملل، جای خود را به رویکرد نرم‌افزاری و جنگ نرم داده است (نائینی، ۱۳۸۹: ۲). در همین راستا در سال ۱۹۸۲ نظریه «جنگ کم‌شدت» در پی تغییر راهبردی دولت آمریکا ظهور کرد. این نظریه بر ضرورت بکارگیری الگوهایی تأکید داشت که منازعه غیرمستقیم را ترویج می‌نمود و نیروها و ابزارهای درون ساختاری را برای مقابله با نیروهای تهدیدکننده توصیه می‌نمود (متقی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

۳-۲- تعریف جنگ

به اعتقاد آلن بیرو واژه جنگ از ریشه آلمانی *wera* گرفته شده که به معنای آزمون نیرو با استفاده از اسلحه بین ملت‌ها (جنگ خارجی) یا گروه‌های رقیب در داخل یک کشور (جنگ داخلی) است (ادیبی سده، ۱۳۸۵: ۸). در تعریفی دیگر می‌توان بیان کرد که، جنگ نوعی منازعه خشونت‌آمیز سیاسی است که بین گروه‌های انسانی رخ می‌دهد. این منازعه‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به ماهیت، اهداف و ابزارهای آن به انواع مختلفی تقسیم می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۶).

در گذشته‌ی نه چندان دور زمانی که صحبت از جنگ در اصطلاح سیاسی و اجتماعی می‌شد معنای زد و خورد مسلحانه بین دو یا چند گروه اجتماعی متخاصم به ذهن متبادر می‌گشت (ادیبی سده، ۱۳۸۵: ۹). به اعتقاد کلاوزوتیس، جنگ به کارگیری حد اعلای خشونت در راه خدمت به کشور است (شیروودی، ۱۳۸۴: ۳). موریس دوورژه اندیشمند سیاسی فرانسوی نیز جنگ را عبارت از استعمال خشونت جسمی برای حل و فصل تعارض‌ها می‌داند و در اصطلاح، سیاست را استعمال وسایل غیرخشن و با خشونت کمتر تعریف می‌کند (ادیبی سده، ۱۳۸۵: ۹). کوئینی نیز بر این اعتقاد است که جنگ هنر سازمان دادن و به کار گرفتن نیروهای مسلح برای انجام هدف مورد نظر است (شیروودی، ۱۳۸۴: ۳). این تعاریف از جنگ را می‌توان در حیطه‌ی جنگ سخت قرار داد. اما با توسعه روز افزون مباحث نظامی و اطلاعاتی از یک سو و از سوی دیگر شناسایی اهمیت فرهنگ برای تسخیر یک کشور از راه دور، جنگ را از حیطه‌ی سخت به حیطه‌ی نرم منتقل کرده است.

در قرن اخیر به واسطه‌ی ویژگی‌هایی چون جهانی‌شدن و فناوری اطلاعات بسیاری از معادلات عرصه روابط سیاسی به طور اعم و مبحث قدرت به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی این بستر به طور اخص، به شکل متفاوت و با سرعت بیشتری دستخوش تحول شده‌اند. بر خلاف گذشته که بار اصلی قدرت بر عهده منابع سخت‌افزاری و توان سخت نظامی بود امروز کشورها با تقویت قدرت نرم خود می‌کوشند تا اراده خود را حاکم کرده و در عرصه رقابت بین المللی جریان را به نفع خود بگردانند. مفهوم و ادعای قدرت نرم این است که می‌توانید بدون استفاده از پاداش یا تهدید محسوس به نتایج مورد نظران دست یابید (عیوضی، میرشاه ولایتی و نظری زاده، ۱۳۹۱: ۲).

تغییر ابزار و شیوه های اعمال قدرت تاثیرات شگرفی بر ماهیت و امنیت و همچنین جنگ آینده بر جای گذاشته است و بر خلاف گذشته، مولفه های نرم افزاری قدرت بیشتر مطمح نظر است. روندها حاکی از این است که از یک سو شکل جدیدی از قدرت ظهور کرده است و با تغییر ماهیت جنگ افزارها، زمینه برای تحول در قدرت ایجاد شده و از سوی دیگر متناسب با نوع قدرت، اشکال جدیدی از امنیت ظهور کرده است. در دوران کنونی، با توجه به اینکه توسل به زور و جنگ سخت افزاری خالص عمدتاً توجیهی نداشته و مطرود تلقی می شود، غرب و در راس آن امریکا به موازات فعال سازی قدرت سخت افزاری خود کوشش می کند تا جلوه هایی از جدایی دین و فرهنگی را سازماندهی نماید (برزگر و لعل علیزاده، ۱۳۹۰: ۹۴). یکی از مولفه های اثرگذار در امنیت ملی هر کشور، امنیت فرهنگی است که هر گونه زلزله در آن می تواند در سایر مولفه ها اثرگذار بوده و امنیت ملی کشور را با مخاطره اندازد (حبیبیان و صبوری، ۱۳۹۱: ۳۱).

یکی از علل مهمی که اندیشمندان دول مختلف را به سمت تسخیر فرهنگی و غیر نظامی کشورهای هدف، سوق داد ناپایداری پیروزی نظامی در طولانی مدت است. برتری و موفقیت نظامی توانایی تغییر اذهان مردم و آداب و رسوم کشور مغلوب را ندارد. بر این مبنا نیاز به تسخیر و تغییر مبانی ارزشی و فرهنگی جامعه ی مغلوب برای تداوم فعالیت دولت غالب در جامعه ی هدف ضروری و اجتناب ناپذیر دیده شده است. انواع جنگ ها در دوران اخیر از حالت نظامی خارج شده است و جنگ ایدئولوژی ها شکل گرفته است (ادیبی سده، ۱۳۸۵: ۵۴). از لحاظ شمار تلفات انسانی، بی گمان قرن بیستم جنگ زده ترین دوران در تاریخ بشر است. طی این قرن تاکنون، بیش از یک صد میلیون نفر در جنگ کشته شده اند، یعنی به طور متوسط روزی ۳۵۰۰ نفر. اکثریت این افراد در دو جنگ جهانی کشته شدند، اما در سراسر این قرن جنگ کم و بیش به طور مستمر، در نقاطی از جهان ادامه داشته است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۸۱).

۳-۳- پدافند عامل و پدافند غیرعامل

در آفند و در پدافند سخت افزاری و نظامی یا پدافند عامل آنچه مطرح می شود، حضور امکانات و استعداد نظامی یک کشور و میزان توان ارتش کشور برای مقابله با تهدیدات نظامی است. اما در پدافند غیرعامل بدون استفاده از سازه های نظامی و قدرت و پتانسیل نظامی، سعی می شود که سازه های نرم افزاری و سخت افزاری در برابر تهدیدات و یا تهاجمات دشمن حفظ شوند و کاهش تقلیل خسارات مادی و معنوی به عنوان اولین هدف در پدافند غیرعامل مطرح است. هدف دوم پایدارسازی سیستم مدیریتی-خدماتی در عرصه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مسائل مبتلا به یک جامعه است که در شرایط بحران کار ویژه ی سیستم مدیریتی و حاکمیتی پا بر جا بماند تا بتواند خدمات و نیازمندی های عمومی جامعه را در سطوح شهری برای شهروندان تامین کند (فردرو، ۱۳۸۹: ۹). بطور کلی می توان گفت که دفاع شامل دو بخش عمده ی دفاع (پدافند) عامل و دفاع غیرعامل است. در دفاع عامل تمام طرح ریزی ها و اقدامات دفاعی مستلزم به

کارگیری سلاح و تجهیزات جنگی است و در دفاع غیرعامل برنامه‌ها و اقدامات موجب کاهش آسیب‌پذیری‌ها و افزایش پایداری و خدمات و هوشیاری مردم در مقابل تهدیدها است (هاشمی فشارکی، ۱۳۸۹: ۱۱۷). مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای تدوین سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل کشور، پدافند غیرعامل را اینگونه تعریف کرده است: مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌شود (برزگر و لعل‌علیزاده، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

در دفاع غیرعامل، برنامه‌ها و اقدامات موجب کاهش آسیب‌پذیری‌ها و افزایش پایداری و هوشیاری مردم در مقابل تهدیدات است. امروزه کلیه اقدامات غیرمسلحانه که موجب کاهش آسیب نیروی انسانی، ساختمان‌ها و تاسیسات و تجهیزات و شریان‌های کشور در مقابل عملیات خصمانه و مخرب دشمن چه در جنگ سخت و چه در جنگ نرم انجام می‌شود و کلیه اقداماتی که موجب افزایش بازدارندگی دشمن و ارتقا، پایداری ملی می‌شود را دفاع غیرعامل نام نهاده‌اند. در دفاع غیرعامل، مردم با آمادگی و آموزش قبلی در مقابل تهدیدات و عملیات روانی دشمن هوشیارانه حضور دارند. آستانه‌ی تحمل ملی بسیار افزایش می‌یابد و به دشمن امکان استفاده از فرصت جنگ نرم داده نمی‌شود. پدافند غیرعامل، فطری‌ترین عنصر دفاعی بشر در برابر حوادث و تهدیدات دشمن خارجی است. و پشتوانه اقتدار ملی و مناسب‌ترین راهکار برای افزایش آستانه مقاومت مردمی و مهمترین ابزار بازدارندگی دشمن است (فردرو، ۱۳۸۹: ۲۱). دفاع غیرعامل در حیطه‌ی فرهنگی را عبارت است از؛ مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای که باعث افزایش آسیب‌پذیری زیر ساخت‌های حیاتی و حساس بخش‌های فرهنگی و تبلیغی کشور، تداوم فعالیت‌های ضروری فرهنگی، ارتقاء و پایداری ملی، تسهیل مدیریت بحران ناشی از تهدیدات دشمن، عملیات فرهنگی و روانی ضد تهاجم فرهنگی دشمن می‌گردد (هاشمی فشارکی، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

۴- روش‌شناسی

نظم از مهمترین خصلت‌های علم به شمار می‌رود. اساسی‌ترین عامل در اعتبار علمی پس از موضوع، روش بررسی است (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۳۵). چیزی که تحقیقات علمی را از غیرعلمی جدا می‌کند و امکان تمییز تحقیقات علمی را فراهم می‌کند، روش‌هایی است که در تحقیقات به کار می‌رود (همان: ۹۱). روش‌شناسی شیوه‌های کلی است که به کمک آنها درباره آنچه انجام می‌دهیم فکر می‌کنیم. شیوه‌ای که از طریق آن دست به انتخاب و تعریف آن چه بررسی خواهیم کرد، می‌زنیم. شیوه‌ای که از رهگذر آن می‌توانیم هنگام شروع تحقیقاتمان، کارمان را برنامه‌ریزی کنیم؛ و مفروضاتی که درباره آنچه انجام می‌دهیم و چرا انجام می‌دهیم، می‌سازیم (کرایب، ۱۳۸۸: ۶۱). برای بررسی پژوهش حاضر از روش توصیفی-اسنادی

استفاده شده است. بر این مبنا از مطالب چاپ شده در مجلات علمی و همچنین کتاب‌ها به عنوان منبع بررسی استفاده شده است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت که سیر تکامل جنگ بیانگر ظهور جنگ‌هایی بدون کاربرد تسلیحات نظامی است. جنگ‌های نظامی به علل مختلفی نظیر؛ ۱. تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی زیادی (مثل مخارج تامین تسلیحات، تدارکات و همچنین آثار و ویرانی‌ها)، ۲. مستمر و مداوم نبودن اثربخشی جهت همراه کردن فرهنگ و اندیشه‌ی مردم مغلوب با اهداف دولت غالب، ۳. تلفات انسانی بسیار زیاد مثلا دیگر در بین اندیشمندان و سیاستمداران عقلانی جلوه نمی‌کرد. بر این مبنا و با اهمیت یافتن حیطه‌ی فرهنگ، جنگ از حیطه‌ی نظامی و سخت به جبهه‌ی نرم و فرهنگی کشیده شد. جنگ نرم علاوه بر اینکه معایب جنگ سخت را نداشت، مزایایی نظیر؛ ۱. گستردگی حیطه‌ی فعالیت و تهاجم، ۲. ناشناخته بودن عوامل تهاجم، ۳. اثرگذاری بیشتر اما از طریق نامحسوس را در بر دارد.

بطور کلی می‌توان بیان کرد که در گذشته جنگ حالت کلاسیک داشت به نحوی که نیروهای نظامی در خطوط مقدم جبهه و در جدار مرزها با حضور یگان‌های نظامی در برابر هم صف آرایی می‌کردند. اما امروزه بحث از جنگ نامتقارن و جنگی است که می‌تواند بسیار وسیع، گسترده، و پراکنده باشد (فردرو، ۱۳۸۹: ۱۱). بر این مبنا مباحث دفاعی و امنیتی نیز دچار تغییر و تحول شده است. علاوه بر شکل‌گیری دفاع (پدافند) عامل، پدافند غیرعامل نیز شکل گرفته است. تمرکز اصلی پدافند غیرعامل بر مباحث پیشگیری و کاهش آسیب‌پذیری در هنگام مواجهه با دشمن است.

بر اساس بند ۷ سیاست‌های کلی نظام در خصوص دفاع غیرعامل، به فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی در زمینه‌ی بکارگیری اصول و ضوابط دفاع غیرعامل و بر اساس بند ۱۱ آن، به اصول و ضوابط مقابله با تهدیدات نرم‌افزاری و سایر تهدیدات جدید دشمن به منظور حفظ صیانت از شبکه‌های اطلاع‌رسانی پرداخته شده و همان‌طور که در بند ۲ آن، دو اصل از اصول و ضوابط دفاع غیرعامل که رعایت آن الزامی بوده، حساسیت زدایی و فریب دشمن به منظور نیل به بازدارندگی و نیز ارتقاء و پایداری ملی (که در بند ۱ آمده) معرفی شده، بخش مهمی از آن به عهده‌ی متولیان و اصحاب فرهنگی کشور است. و همچنین از آنجا که در شرایط بحرانی مانند جنگ، چه پیش از وقوع و چه حین جنگ همواره یکی از ابزارهای مهم دشمن، تهاجم فرهنگی و نیز عملیات روانی علیه کشور هدف به منظور تغییر هنجارهای اجتماعی و تغییر افکار و رفتارهای مردم و نخبگان و مسئولین با هدف پذیرش شرایط سلطه در پیش از تهاجم و حین تجاوز نظامی و یا کاهش قدرت مقاومت ملی در برابر تهاجم و در نتیجه کاهش هزینه نظامی خود و سهولت دستیابی به اهداف ظالمانه‌ی خود می‌باشد. لذا نقش فرهنگ و اصحاب فرهنگی در این زمینه بسیار مهم و تاثیرگذار

خواهد بود. و لازم است در صدر برنامه‌های نهادهای فرهنگی کشور قرار گرفته و با رصد دائمی اقدامات ضد فرهنگی و روانی دشمن، تدابیر و اقدامات لازم در همه‌ی ابعاد آن صورت پذیرد (هاشمی فشارکی، ۱۳۸۹: ۸۷).

با توجه به نقش مهمی که فرهنگ در زندگی انسان‌ها دارد و دامنه‌ی فرهنگ در اجتماع، سازماندهی دفاع غیرعامل بر مبنای فرهنگ، تهاجم فرهنگی دشمن را خنثی گرداند. دفاع غیرعامل در حیطه فرهنگی عبارت از مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای که باعث افزایش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی و حساس بخش‌های فرهنگی و تبلیغی کشور، تداوم فعالیت‌های ضروری فرهنگی، ارتقاء و پایداری ملی، تسهیل مدیریت بحران ناشی از تهدیدات دشمن، عملیات فرهنگی و روانی ضد تهاجم فرهنگی دشمن می‌گردد (همان: ۱۱۷).

بطور کلی می‌توان نتیجه گرفت که تقویت جبهه‌ی فرهنگ خود عاملی بسیار مهم در تقویت پدافند غیرعامل است. فرهنگ معانی مختلفی دارد، ولی امروزه بیشتر بصورت نرم‌افزاری تعریف می‌شود تا سخت‌افزاری. به نقل از هال فرهنگ بر تولید و مبادله معانی در بین اعضای جامعه یا گروه می‌باشد. جان هارتلی نیز فرهنگ را عبارت از تولید و باز تولید اجتماعی احساس، معنا و خودآگاهی تعریف می‌کند. از این رو فرهنگ به معنای فرآیند معنا آفرینی و نمادسازی به کار می‌رود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۱۶). مطالعات بیانگر این است که تسخیر فرهنگ یک کشور در صورت تحقق، اثرگذاری بسیار بیشتری نسبت به تسخیر مکانی کشور هدف دارد. چرا که فرهنگ به مجموعه‌ی شیوه‌ی زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌شود؛ چگونگی لباس پوشیدن آنها، رسم‌های ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوهای کارشان، مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت. همچنین شامل کالاهای مادی که تولید می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۵۷). تسخیر این تولیدات معانی و الگوهای سبک زندگی، به معنای گرفتار شدن در تور بردگی نوین کشور مهاجم و اسارت گرفتن نوین جامعه‌ی هدف است.

بر این مبنا می‌توان به طور کلی بیان کرد که تقویت نظام فرهنگی و اجتماعی عامل بسیار مهم در اجرایی شدن پدافند غیرعامل در حیطه‌ی اجتماعی و فرهنگی و جامعه است. تاریخ کشورها نشان داده است که تسخیر نظامی، ناپایدار است اما از طریق تغییر شیوه‌ی آداب و رسوم یک منطقه و به عبارتی به بردگی نوین درآوردن افراد یک منطقه ثبات بسیار بیشتری دارد. مبنای تعامل و ارتباط افراد جامعه نظام فرهنگی‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. نظام فرهنگی زمینه‌ی انجام تعامل میان کنشگران را تسهیل می‌گرداند. به اعتقاد پارسونز نظام فرهنگی به افراد جامعه جهت داشتن رابطه با یکدیگر کمک می‌کند. و به آنها اجازه می‌دهد تا با یکدیگر در ارتباط باشند (اسمیت، ۱۳۸۷: ۵۲). فرهنگ و به تبع آن نظام فرهنگی به اعتقاد جامعه‌شناسان برجسته‌ای چون پارسونز نقشی موثر در توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای دارد. و به عبارتی

بنیان توسعه هر جامعه ای از فرهنگ منبعث می گردد. هابرماس به عنوان سردمدار و مدافع نوگرایی بر این اعتقاد است که توسعه ی فرهنگی کلید و ابزار اصلی پیشرفت جوامع انسانی می باشد (بلینگتون و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۹). اهمیت توسعه فرهنگی به حدی است که برخی از محققان بر این باور هستند که توسعه فرهنگی مبنای هر نوع توسعه است، زیرا از نظر آنها، فرهنگ نحوه روابط اعضای جامعه با محیط و مردم درون و بیرون فرهنگ و نحوه دریافت اطلاعات از محیط و تفسیر و درک آن را تعیین می کند چگونه با محیط و مردم درون و بیرون فرهنگ روابط خود را تنظیم و حفظ کنند و فرهنگ است که معین می سازد، چگونه اطلاعات دریافتی از محیط، تفسیر و درک شوند (تری یاندریس، ۱۳۷۸: ۴۷-۴۴) و از این روی، توسعه فرهنگی یعنی فراهم آوردن شرایط و امکاناتی برای افراد جامعه تا به شاخص های رشد فرهنگی جامعه کمک کنند. یعنی ارتقاء و اعتلای زندگی فرهنگی و دستیابی به ارزش های متعالی فرهنگی (گنجی و الماسی بیدگلی، ۱۳۹۱: ۱۷۳). در رویکرد توسعه فرهنگی، داشتن انسان های پویا، شاداب، آگاه، متعهد، ارزش گرا و انسانی به عنوان اهداف اصلی مطرح نظر قرار می گیرند و آن فرایندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی، قابلیت ها و باورهای انسان ها شخصیت ویژه ای به خود می گیرد که حاصل آن کنار گذاشتن خرده فرهنگ های نامناسب توسعه ای است (حبیب پور و غفاری، ۱۳۹۰: ۸۶). بطور کلی می توان نتیجه گرفت که تقویت نظام فرهنگی منجر به توسعه فرهنگی می گردد و بر این مبنای پدافند غیرعامل در حیطه اجتماعی تحقق می یابد. با دستیابی جامعه به توسعه فرهنگی، اهداف مهم پدافند غیرعامل یعنی کاهش آسیب پذیری جامعه در مقابل تهاجمات دشمن و افزایش توان مقابله با تهاجمات دشمن محقق می گردد.

در این راستا پیشنهادی زیر مطرح می شود؛

- با تقویت جبهه ی فرهنگی جامعه از یک سو، و از سوی دیگر تبیین مولفه های فرهنگی اثر گذار جامعه و نیز حذف مولفه های مخرب فرهنگی جامعه و به عبارتی تقویت بنیه ی فرهنگی در طول زمان، اثرپذیری فرهنگ از مولفه های فرهنگی جامعه مقابل را کاهش بدهیم.
- دولت و در حالت کلی تر مسئولین و برنامه ریزان اجتماعی و فرهنگی کشور، قبل از انجام هر برنامه ای، آن را با متخصصین حوزه ی فرهنگ مطرح و آثار اجرا و عدم اجرای آن را بررسی کنند.
- سازماندهی مطالعات فرهنگی و اجتماعی به منظور شناسایی مولفه های فرهنگی اثرگذار و همچنین شناسایی مولفه های فرهنگی مخرب
- خارج شدن از حیطه ی بوروکراسی اداری و به عبارتی ایجاد توجه محتوایی و ساختاری به مباحث فرهنگی نه توجه صوری. به عبارتی پرهیز از شعارزدگی و تقویت جبهه ی عملگرایی.

- تبیین مولفه‌های اثرگذار فرهنگی که مبنای نظام فکری و عقیدتی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی شده است نظیر؛ فرهنگ عاشورا و سبک زندگی بزرگان دینی.
- پرهیز از شتاب‌زدگی در اجرای برنامه‌های فرهنگی
- سازماندهی مطالعات فرهنگی و اجتماعی جهت شناسایی نیازهای فرهنگی گروه‌های سنی مختلف و مبنا قرار دادن نتایج این مطالعات در برنامه‌ریزی فرهنگی
- پرهیز از سلیقه‌گرایی و تنگ‌نظری در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجرای آنها.
- توجه و برنامه‌ریزی مناسب جهت دستیابی به توسعه فرهنگی

منابع

- ۱- آراسته خو، محمد (۱۳۸۱)، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی- اجتماعی، تهران، انتشارات چاپ پخش.
- ۲- ادیبی سده، مهدی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، تهران، انتشارات سمت.
- ۳- ازکیا، مصطفی و دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۲)، روش‌های کاربردی تحقیق، تهران، انتشارات کیهان.
- ۴- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷)، درآمدی بر نظریه‌ی فرهنگی، ترجمه‌ی حسن پویان، تهران، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۵- بلینگتون، روزاموند و استرایبرج، شیلا، گرین سایدز، لنور و فینز سیمونز، آنت (۱۳۸۰)، فرهنگ و جامعه (جامعه‌شناسی فرهنگ)، ترجمه فریبا عذبدفتری، تهران، نشر قطره.
- ۶- برزگر، ابراهیم و لعل‌علیزاده، محسن (۱۳۹۰)، جنگ نرم، بازی‌های رایانه‌ای اسلام ستیز و پدافند غیرعامل، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۱: صص ۹۳-۱۱۸.
- ۷- بودون، ریمون و بوریکو، فرانسوا (۱۳۸۵)، فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
- ۸- بیرهوف، هانس ورنر (۱۳۸۷)، رفتارهای اجتماعی مطلوب، تحلیل انواع رفتارهای اجتماعی از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه رضوان صدقی‌نژاد، تهران، نشر گل آذین.
- ۹- تری یان‌دیس، هریس (۱۳۷۸)، فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت‌فتی، تهران، انتشارات رسانش.
- ۱۰- حبیبیان، محمد حسن و صبوری، محمد حسن (۱۳۹۱)، جنگ نرم و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه امنیت پژوهی، سال ۱۱، شماره ۴۰: صص ۳۱-۵۲.

- ۱۱- حیب پور، کرم و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، توسعه فرهنگی زنان (مطالعه موردی استان قم)، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۳، شماره ۳: ۹۶-۷۷
- ۱۲- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، فناوری‌های قدرت در جنگ نرم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول، شماره مسلسل ۵۵: صص ۳۰-۵
- ۱۳- ریتزر، جورج (۱۳۸۶)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی، چاپ دوازدهم
- ۱۴- شارون، جوئل (۱۳۸۸)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۱۵- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴)، جنگ، انواع، انگیزه‌ها و جنگ تحمیلی، مجله رواق اندیشه، شماره ۴۶: صص ۲۲-۳
- ۱۶- صادقی، سعید (۱۳۸۹)، برنامه‌ریزی پدافند غیرعامل در بخش فرهنگی، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۵: صص ۱۱۳-۱۰۸
- ۱۷- عیوضی، محمد رحیم، میرشاه ولایتی، فرزانه و نظری زاده، فرهاد (۱۳۹۱)، جنگ نرم و سناریوهای آینده انقلاب اسلامی (با نگاهی به بیداری اسلامی)، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴: صص ۳۴-۱
- ۱۸- فردرو، محسن (۱۳۸۹)، راهبردهای آمادگی دفاع غیرعامل، تهران، انتشارات عابد.
- ۱۹- کرایب، یان (۱۳۸۸)، نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران، نشر آگه.
- ۲۰- کلانتری، علی اکبر (۱۳۹۰)، اخلاق زندگی، قم، نشر دفتر معارف اسلامی.
- ۲۱- گنجی، محمد و الماسی بیدگلی، احسان (۱۳۹۱)، مطالعه وضعیت کیفیت فرهنگی و اجتماعی شهروندان، مطالعه موردی شهر کاشان، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال هشتم، شماره ۲۷، صص ۱۹۴-۱۶۹
- ۲۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۲۳- مصطفوی، سید محمد رضا (۱۳۸۹)، گسترش مفاهیم پدافند غیرعامل در فرهنگ عمومی، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۵: صص ۱۰۷-۱۰۰
- ۲۴- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، جنگ نرم، انقلاب‌های رنگین و دیپلماسی عمومی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸: صص ۱۴۶-۱۱۷
- ۲۵- نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸: صص ۳۰-۱

۱۲۸ □ مجموعه مقالات همایش ملی پاندمی‌زیربنا و علوم انسانی

۲۶- هاشمی فشارکی، سید جواد (۱۳۸۹)، جایگاه فرهنگ در دفاع غیرعامل، کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۳۵: صص ۹۴-۸۴.